

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان و پی نوشت از: حمید محوی
۲۵ اگست ۲۰۱۵

نیرومندترین بمب جهان در مسکو



در شب ۲۳ اگست ۲۰۱۵، بمب تزار نیرومندترین بمب تمام قرون و اعصار به وسیله وسایل نقلیه ویژه مرکز هسته نی روسیه فدرال در ساروف به مسکو منتقل شد.

این بمب هیدروژنی گرما هسته‌ئی پر انرژی ترین بمبی است که در تاریخ بشریت ساخته شده، با قدرتی معادل ۱۰۰ مگا تن. در مقایسه با «لینل بوی» که ۶ اگست ۱۹۴۵ توسط امریکائی ها روی هیروشیما پرتاب شد، با ۱۳ تا ۱۶ کیلو تن قدرت، بمب تزار ۳۱۲۵ برابر نیرومندتر است.

این بمب هیدروژنی برای نخستین بار با نصف توان اصلی اش در ۳۰ اکتوبر ۱۹۶۱ بر فراز مجمع الجزائر نوایا زملیا در منطقه قطبی روسیه آزمایش شد.

این بمب به وسیله چتر از روی تو ۹۵ از ارتفاع ۱۰۵۰۰ متری پرتاب شد و در ارتفاع ۴۰۰۰ متری با ۵۰ تا ۵۸ مگاتن عمل کرد، با قطر قارچ آتشی معادل هفت کیلومتر.

این آزمایش در ۳۰ اکتوبر ۱۹۶۱ آغاز یک سری آزمایش های هسته‌ئی توسط اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۹۰ بر فراز مجمع الجزائر نوایا زملیا بود.

منبع: اسپوتنیک ۲۳ اگست ۲۰۱۵

<http://fr.sputniknews.com/russie/20150823/1017721225.html#ixzz3jg0K5XwQ>

پی نوشت :

بین واکنش های خوانندگان اسپوتنیک ، یکی از کاربران به «نیرومندترین بمب» اعتراض کرده و اعلام کرده است که بمب هیدروژنی فرانسوی بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ مگاتن عمل می کند. کاربران دیگری نوشته اند که این نمایش مسکو در واقع اخطار به ایالات متحده است که می تواند در نزدیکی مرز روسیه جفتک و چهارکش بزند ولی جلوتر از این نباید دست از پا خطا کند.

بی گمان امروز ابزارهای جنگی دیگری مثل بمب های الکترومغناطیسی ساخته شده که می تواند هر شیئی الکترونیکی که به برق وصل باشد را تخریب کند، یعنی سیستم برق را از کار می اندازد. می توانیم تصور کنیم که در سطح شهرهای بزرگ چنین فقدانی چه پیامدهائی می تواند داشته باشد. و یا به زودی بمب های ضد ماده...

بمب هسته ای یکی از اختراعات بورژوازی است که پا به پای مذاهب یکتا پرست یهودی و مسیحی و اسلام پایان جهان را نوید می دهد. با این تفاوت که یهودی و مسیحی پایان جهان را در اختیار دارند، ولی جهان اسلام فاقد چنین نیروئی می باشد.

ولی آنچه کمتر از همه در مورد بمب اتمی گفته شده، با قطع نظر از غیر اخلاقی و ضد بشری بودن چنین بمبی که بی هیچ تفکیکی انسان ها را از بین می برد و شهرها را تخریب می کند... توجه به تأثیرات مخرب روانی آن بر ملت های دارنده و به همین گونه ملت هائی است که فاقد چنین سلاح کشتار جمعی می باشند. بی گمان درجه آگاهی به خطر اتمی نزد افراد می تواند طبیعتاً به انواع و اقسام بیماری های [روان تنی] نیز بینجامد. در هر صورت تمام تنش های روانی دیر یا زود بر اساس وضعیت جسمانی نزد افراد و سن و سال ها به عوارض جسمانی می انجامد. البته برای اثبات چنین موضوعی ما به جز اظهار نظرهای عمومی تعدادی پزشک، پرونده رسمی در اختیار نداریم و پژوهشی رسمی در این زمینه صورت نگرفته است. جوامع روانکاو نیز معمولاً وارد چنین موضوعاتی نمی شوند که بعداً برای کار حرفه ای و لیبرال آنها مخاطره آمیز باشد.

در دموکراسی های گزینشی و پارلمانی، افراد با انتخاب فرد دیگری به عنوان نماینده و برای تصمیم گیری های مهم، در سیر قهقرائی قرار می گیرند، و بیشتر به کودکانی شباهت دارند که از روی ترس موجه یا ناموجه به دامن والدین خود پناه می برند و به عبارت دیگر با استعفاى شرکت مستقیم خود در امور اساسی زندگی اجتماعی از خودبیگانه می شوند. در رابطه با استفاده از بمب اتمی که عملاً روی میز تمام گفت و گوهای بین المللی به عنوان عامل تعیین کننده و تهدید کننده حضور دارد، نیروئی را تشکیل می دهد که خیلی فراتر از فرد است. یک فرد عادی فرانسوی، همان گونه که در ابتدای این پی نوشت یادآور شدیم، با نیروی تخریب گر ۴۰۰ مگاتنی همذات پنداری دارد و بر این اساس از خودبیگانه می شود مضافاً بر این که کاریست آن را نیز به شخص دیگری واگذار کرده و به عبارت دیگر مسؤولیت پیامدهای آن را نیز از خود سلب کرده است و یا آن را واپس می زند. و علاوه بر این باید دانست که بمب اتمی یک هویت طبقاتی نیز دارد که از خودبیگانی را به حالت مضاعف فعال می سازد.

در نتیجه بمب اتمی در در رابطه با ملت های دارنده، یک ابزار حکومتی و سرکوب نامرئی توده ها نیز می باشد، زیرا طبقه حاکم با اختراع دشمن موهومی و خطر موهومی می تواند سیطره خود را بر توده ها تحمیل کند. با این وجود، هر فردی که در کشور دارنده بمب اتمی به دنیا آمده، هر روز صبح که از خواب بر می خیزد می تواند در این توهم غرق شود که تمام قدرت ۴۰۰ مگاتنی را علیه هر کسی که به صبحانه او چپ نگاه کند به کار ببندد : کوچک و بزرگ، بچه شیر خواره تا آموزگار مدرسه و ... از چنین بمبی که نخستین کار بست آن در هیروشیما اهداف سلطه جویانه ای را پی گیری می کرد، در عین حال می توانیم انتظار داشته باشیم که مولد نژاد پرستی و ملیت گرایی نیز باشد (که هر دو به انضمام وجه طبقاتی مسؤول از خودبیگانی نزد افراد است).

موضوع نژاد پرستی و ملیت گرایی را در مورد مردم اسرائیل خیلی روشنتر از موارد دیگر می توانیم ببینیم زیرا به اندازه کافی دائماً در مورد رویدادهای این کشور و همسایگانش در رسانه ها گزارش منتشر می شود، روزی نیست و صفحه ای از نشریه ای در جهان نیست که نام اسرائیل مطرح نشده باشد... در رابطه با کودکانی که در نبردهای دائمی در این نقطه از جهان کشته می شوند، طی یک گزارش تلویزیونی که من برای یادآوری آن تنها می توانم از خاطره ام استفاده کنم، یک خانم میان سال اسرائیلی در پاسخ به روزنامه نگاری که در مورد کشته شدن تعدادی کودک نظر او را پرسیده بود، می گفت : «بچه ؟ چه اهمیتی دارد که کشته شده، بهتر، او اگر زنده می ماند، فردا به تروریست تبدیل می شد و می آمد سراغ ما...»

طرح چنین موضوعی از این جهت بود که ببینیم افکار عمومی مردم کشورهای دارنده سلاح هسته ئی چه نگاهی به «دشمن» دارد... در این صورت شیرخوارگاه بهترین هدف نظامی خواهد بود.

حمید محوی

پاریس، ۲۴ اگست ۲۰۱۵